

هفت‌پد

آموزش روابط عمومی در ایران در گفتگو با علی میر سعید قاضی ساختار جذب اساتید روابط عمومی در دانشگاه‌ها نیازمند بازنگری اساسی است

پژمان موسوی



را می زند اما من در مجموع بر این باورم که تنها فردی می تواند استاد رشته روابط عمومی برای دانشجویان باشد که الزاما در حوزه مدیریت ارشد و یا کارشناسی ارشد روابط عمومی سابقه کار اجرایی داشته باشد؛ شما اگر به کشور ژاپن نگاه کنید مشاهده می کنید که حتما فردی روابط عمومی تدریس میکند که الزاما سابقه کار در روابط عمومی را داشته باشد.

اگر ریشه ی روابط عمومی نوین در غرب را دهه ی اول ۱۹۰۰ میلادی بدانیم که در آن زمان ای وی لی اولین انجمن روابط عمومی در سال ۱۹۰۴ میلادی را پایه گذاری نمود، همزمان با روند های تاریخی، سیر مثبت رشد و توسعه روابط عمومی های تخصصی را در کنار آموزش های پایه ای و کاربردی می بینیم؛ بدین مفهوم که به میزانی که آموزش های

مشخصا در مورد دانشکده علوم ارتباطات بفرمایید؛ به نظر شما چه افرادی صلاحیت تدریس به عنوان استاد به دانشجویان رشته روابط عمومی را دارا هستند؟

مرتبط در حوزه روابط عمومی کاربردی تر و علمی تر بوده اند، به همان میزان هم روابط عمومی ها از عملکرد بهتری برخوردار بوده اند و بهتر توانسته اند تا نقش خود را به عنوان واسطه میان سازمان با مردمان ایفا نمایند. در ایران هم در سال های اخیر و همزمان با افزایش توجهات به آموزش روابط عمومی، به نظر می رسد که سمت و سوی این آموزش ها به همه حوزه ای بر می گردد مگر به آنچه که به واقع روابط عمومی به معنای کاربردی آن است؛ برای بررسی بیشتر این موضوع و روند آموزش روابط عمومی در ایران به سراغ استاد میرسعید قاضی پیشکسوت آموزش روابط عمومی در ایران رفتیم و در یک گفتگوی چالشی دیدگاه های وی را در این حوزه جويا شدیم؛ تئوری و عمل در روابط عمومی و ارتباطات؛ درسنامه روابط عمومی، مخاطب شناسی، پیش نیاز یک روابط عمومی موفق و زبان تخصصی ارتباطات و روابط عمومی از جمله کتابهای میرسعید قاضی در حوزه روابط عمومی است...

با توجه به سابقه ۴۰ سال حضور در حوزه روابط عمومی به هیچ عنوان معتقد نیستم که فردی که کوچک ترین سابقه اجرایی در حوزه روابط عمومی نداشته باشد می تواند به دانشجویان این رشته تدریس نماید. ممکن است برای برخی از دانشجویان بینش های تئوریک و یا نظریه های موجود در حوزه روابط عمومی جذابیت هایی داشته باشد که درست برای همین ظاهر جذاب دانشجویان به آن گرایش پیدا کنند اما در نهایت به جد بر این باورم که در نهایت آنچه فرد می تواند در حوزه روابط عمومی بیاموزد که بعدها به کارش بیاید تنها از تجربه های کاری بر می آید و نه تئوری های کتابی. من خودم چند سالی در یک موسسه تبلیغاتی مشغول به کار بودم بعدها که مشغول تدریس به دانشجویان بودم ناخودآگاه حس کردم که آن تجربه ها چه قدر در تدریس به کار می آیند و چه قدر می تواند برای آینده حرفه ای دانشجویان مفید واقع شود. ما در ادبیات فارسی عبارتی داریم که می گوید: "آن ارزی که می ورزی" و نمی گوید: "آن ارزی که می گویی و می دانی". این عبارت در واقع نشان می دهد که هر فرد به اندازه عملی که انجام می دهد ارزش دارد و محور اعتبار کار عملی و تجربی است. جالب است که همین مثل امروزه در کشورهای صنعتی به بهترین وجه اجرا می شود یعنی تا فردی سابقه اجرایی در حوزه مدیریت روابط عمومی نداشته باشد به هیچ وجه نمی تواند به عنوان مدرس روابط عمومی برگزیده شود.

جناب میر سعید قاضی؛ در طول سال های اخیر مشاهده می شود که دوره های آموزشی زیادی با نام روابط عمومی چه در دانشگاه ها و چه در سایر موسسات برای علاقه مندان به حوزه روابط عمومی برگزار می شود؛ به نظر شما مهم ترین ویژگی یک چنین دوره هایی چه باید باشد؟

به نظر من در ابتدا باید دید که برای چه مخاطبی کلاس یا یک دوره آموزشی برگزار می شود، به عبارت دیگر مخاطب شناسی در این حوزه حرف اول

پیرونده



روابط عمومی ۴۷

ماهنامه علمی / تخصصی
انجمن روابط عمومی ایران
شماره ۷۲ / خرداد و تیر ۸۹

مدنظر

اما در دانشگاه های ایران وضعیت به گونه دیگری است؛ به نظر می رسد مدنظر شما بیشتر نوعی نظام آموزشی است که خود را از مدرک گرایی رها کرده باشد، درست است؟

■ همان طوری که گفتیم از آنجا که ساختار مراکز آموزش عالی ما به شکلی است که تنها به دارندگان مدارک تحصیلی و کتاب بها می دهد و نگاه نمی کند که فرد چند پروژه موفق را در حوزه روابط عمومی اجرا کرده است، ما با آیین نامه هایی چند نیاز داریم. پیشنهاد مشخصمان این است که در هنگام پرداخت حق الزحمه اساتید حق التدریس در ازای ۱۵ سال سابقه مدیریت مدرس، حق الزحمه ای معادل یک دکتری پرداخت کرده البته ایده آل به نظر من آنجاست که مدیری که ۲۰ سال سابقه کار در حوزه روابط عمومی را دارد، بتواند به عنوان استاد جذب مراکز آموزش عالی کشور شود.

البته امروز دانشگاه هایی مثل دانشگاه علمی کاربردی هم به امر تربیت دانشجوی روابط عمومی مشغولند و چندان محدودیت های دانشگاه های دولتی از نظر جذب اساتید با تجربه را ندارند...

■ نمی توان چندان به این موضوع دلخوش کرد زیرا عمدتاً دانشگاه های دولتی دانشجویان با انگیزه را جذب کرده و تنها آنهایی به دانشگاه های دیگر مثل علمی کاربردی رجوع می نمایند که یا کارمندند و جویای افزایش رتبه و یا بالجبار تنها برای اخذ مدرکی صرف این رشته را انتخاب کردند.

در غرب وضعیت به چه گونه ایست؟ آنها برای رهایی از این معضل چه چاره ای اندیشیده اند؟

■ در غرب رئیس یک دپارتمان آنقدر اختیار دارد که بتواند یک مدیر قوی در حوزه روابط عمومی را به عنوان مدرس دانشگاه به دپارتمان خود بیاورد اما در ایران آنقدر دستورالعمل ها و آیین نامه ها خشک است که عملاً هیچ اختیاری را برای روسای مراکز آموزشی قائل نبوده و عملاً جای هرگونه مانور را از آنها سلب می نمایند.

■ متأسفانه امروز ما در سطوح دانشگاههای دولتی با یک سری فرم های استاندارد جذب استاد سر و کار داریم که اعتبار و ارزش بسیار بالا برای مدرک تحصیلی افراد قائل شدند در حالی که روابط عمومی حرفه پراتیک با دیدی مدیریتی است؛ به باور من پیامد این نوع جذب استاد بسیار منفی است همان طور که امروزه هم می بینیم که چه بسیار اساتیدی را که روابط عمومی تدریس می کنند بی آن که حتی یک روز تجربه حضور عملی در یک روابط عمومی را داشته باشند؛ همان طور که با خواندن جزوه دوجرخه سواری کسی دوجرخه سوار نشده است، با خواندن جزوه روابط عمومی هم کسی نیروی حرفه ای و کارآزموده روابط عمومی نشده است.

مطلوب شما در این بحث چیست؟ به بیان دیگر چه کسانی به نظر شما صلاحیت تدریس به دانشجویان روابط عمومی را دارند؟

■ ما با یک نسل مدیران موفق روابط عمومی امروزه مواجه ایم که بخش عمده آنها را مدیران نسل اول و دوم روابط عمومی تشکیل می دهند افرادی که ما به هیچ وجه نتوانسته ایم به تدریس تشویق شان کنیم و آنها ترجیح می دهند تا به فعالیت های مشاوره ای رو بیاورند و نه تدریس. شما تصور کنید بسیاری از مدیران ما که حداقل ۲۰ سال سابقه مدیریت دارند و این یعنی یک گنجینه گرانبها هیچ وقت حاضر نمی شوند که با وضع موجود در مراکز آموزشی تدریس نمایند زیرا اولاً آنها را به عنوان عضو هیئت عملی جذب نکرده و تنها شاید به عنوان مدرس حق التدریس به کار بگیرند تازه آن هم با این مبالغ بسیار پایین که به باور من توهینی است به یک مدیر با سابقه.

برای اینکه از کلی گویی فاصله بگیریم، پیشنهاد مشخص خود را برای رهایی از وضعیت موجود مطرح نمایید؟